

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه شهید چمران اهواز

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

شماره پایان نامه: ۹۰۱۱۷۳۱

پایان نامه کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی

گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان:

مبانی فقهی پوشش زن و مرد در حقوق موضوعه ایران

استاد راهنما:

دکتر محمد حسین گنجی

استاد مشاور:

دکتر خسرو نشان

دانشجو:

سید محسن حسینی

آنه حمید مجید

## خدا بسیار ستوده صفات و بسیار بزرگوار است

تقدیم به محضر جان جانان، قبله عالم هستی، التیام بخش سوخته دلان و منتظران دیدار محبوب، یگانه منجی عالم بشریت، یکتا دادگستر جهان بیداد، آخرین حجت برحق الهی و تنها بازمانده شجره امامت و ولایت، امام منتظران حضرت ولی عصر (عج) و عرض تقدیم به مادر بزرگوارش حضرت فاطمه (س)، که او گرانبها ترین گوهری است که تقدیم انسانیت شد. و همچنین تقدیم به زنان بزرگواری که با حفظ حیا و عفت و پاکدامنی در تمام مراحل زندگی الگوی خود را حضرت فاطمه زهرا (س) که الگوی یک زن کامل و از همه آرایشها و آلودگیها مبری و معصوم است قرار می دهند و با ایمان و عمل صالح دیگران را در این مسیر هدایت و راهنمایی می نمایند. بارالها چشم ما را به نور عفت، قلب ما را به نور معرفت، روح ما را به نور تقوی و تمام وجودمان را به نور هدایت روشن فرما و از سرگردانی و غفلت و گرفتاری در چنگال و سوسه های شیطان محفوظ دار.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول: کلیات
۲	مقدمه
۳	پرسشهای اساسی تحقیق
۴	فرضیه های تحقیق
۴	ضرورت وهدف تحقیق
۵	پیشینه ی تحقیق
۶	روش تحقیق
۷	فصل دوم:واژه شناسی
۸	پوشش واقسام آن
۹	مفهوم حجاب
۱۲	مفهوم عفاف

- ۱۲..... رابطه ی حجاب و عفاف
- ۱۴..... مفهوم جلباب
- ۱۷..... فصل سوم: پیشینه ی حجاب در میان اقوام و ملل گذشته
- ۱۸..... پوشش زن در ایران باستان
- ۱۹..... پوشش زن در یونان باستان
- ۱۹..... پوشش زن در مصر باستان
- ۲۰..... پوشش در هند
- ۲۱..... پوشش در دین یهود
- ۲۲..... پوشش در مسیحیت
- ۲۵..... فصل چهارم: مظاهر حجاب از نگاه تاریخی و فقهی
- ۲۶..... مظاهر حجاب در تاریخ اسلام
- ۲۸..... تاریخچه ورود حجاب به بحثهای نظری
- ۳۰..... فصل پنجم: فلسفه حجاب
- ۳۱..... طهارت و پاکی روح

- ۳۲.....فلاح ورستگاری
- ۳۲.....آرامش روانی
- ۳۵.....استحکام خانوادگی
- ۳۷.....استواری جامعه
- ۳۸.....ارزش و احترام زن
- ۳۹.....واجب نبودن پوشش سرکنیزان
- ۴۰.....حرمت نداشتن زن نامسلمان
- ۴۱.....عموم تعلیل درجوازنگاه به زن بادیه نشین ومانند آن
- ۴۳.....حرمت نداشتن دیوانگان و بی عقلان
- ۴۵.....حجاب از دیدگاه نقل و سنت
- ۴۶.....تفسیر آیات
- ۶۷.....بررسی نصوص روائی
- ۷۲.....بیان دیدگاه های فقهی در مورد پوشش
- ۷۳.....سترزن در نماز

۷۵	سترزن در غیر نماز .....
۷۶	احکام مربوط به عفت وزینت زن از نگاه مراجع عظام تقلید .....
۸۱	فصل هفتم: بررسی مبانی فقهی الزام حکومتی بر حجاب .....
۸۲	طرح مساله و پیشینه ی تاریخی آن .....
۸۳	بیان دیدگاه های مختلف در مساله و بررسی ادله ی اقوال .....
۸۶	بررسی ادله ی قائلین به الزام حجاب .....
۹۲	بررسی ادله گروه دوم: ادله ی این گروه نقد ادله ی گروه نخست است .....
۱۰۳	پوشش در فقه اهل تسنن .....
۱۰۵	دلایل اختیارات حکومت در اهل تسنن .....
۱۰۹	حقوق اهل کتاب در جامعه اسلامی .....
۱۲۳	نظریه برگزیده .....
۱۳۶	نتیجه گیری .....
۱۴۰	فهرست منابع .....
۱۵۰	چکیده ی انگلیسی .....

## چکیده

نام خانوادگی : حسینی		نام: سیدمحسن	شماره دانشجویی : ۸۸۱۱۷۰۴
عنوان پایان نامه : مبانی فقهی پوشش زن و مرد در حقوق موضوعه ایران			
استاد راهنما: جناب آقای دکتر محمد حسین گنجی			
استاد مشاور: جناب آقای دکتر خسرو نشان			
درجه تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: الهیات	گرایش: فقه و مبانی حقوق اسلامی	
دانشگاه : شهید چمران اهواز	دانشکده: الهیات و معارف اسلامی	گروه : فقه و مبانی حقوق اسلامی	
تاریخ فارغ التحصیلی : ۱۳۹۰/۱۱/۲۵ تعداد صفحه ۱۵۸			
کلید واژه ها : پوشش، جلاب، اختیارات حکومت اسلامی			
<p>چکیده</p> <p>هدف از اجرای این تحقیق شناخت مبانی فقهی پوشش در حقوق موضوعه ی ایران است. با توجه به اهمیت بسیاری این مسأله که امروزه به یک معضل مهم اجتماعی تبدیل شده، ضرورت تحقیق پیرامون آن کاملاً آشکار است. در وجود پوشش زن در میان هیچ یک از مذاهب اسلامی تردیدی وجود ندارد؛ گرچه برخورد با بی حجابی از اختیارات حکومت اسلامی است، اما نحوه ی برخورد با این وظیفه دینی از اهمیت خاصی برخوردار است و چه بسا با عدم مصلحت سنجی دقیق در این زمینه نتیجه معکوسی را به دنبال خواهد داشت. در این نوشتار علاوه بر مفهوم شناسی حجاب، فلسفه و پیشینه ی تاریخی و فقهی آن، به تحلیل ادله های موافق و مخالف در شیوه ی برخورد با بی حجابی و میزان دخالت حکومت در امر حجاب و جواز و عدم جواز آن مورد بحث قرار گرفته است. به نظر نگارنده مهمترین عملکرد و راهکار برخورد، شیوه ی فرهنگی است. دولت باید ظریف ترین شیوه های هنری، موثر و کارشناسی شده را جهت ترویج فرهنگ حجاب طی نماید. اما اگر بی حجابی عامل ناهنجاری و اختلال نظام گردید؛ در آن صورت برخورد حقوقی با آن نیز جایز خواهد بود.</p>			



## فصل اول

# کلیات

## مقدمه

سپاس، ذات پاکی را سزااست که بدون اینکه در چشم در آید شناخته شده است و بی آنکه نیازی به فکر و اندیشه داشته باشد، خالق آفرینشی اینچنین آراسته است. خداوندی که همیشه جاوید بوده و باقی است.

آگاه باشید که بیناترین چشمه‌آیدیه ایست که نظرش تنها به خیر و صلاح باشد و شنواترین گوشها گوشه‌ای است که پند را شنود و به دل گیرد، خوشبختی کامل، خود را در جود خدا ذوب کردن و با او در خلوت و جلوت به نجوا پرداختن است. و اجرای دستورات الهی و اعمال صالح می باشد. زیرا از نظر قرآن ایمانی با ارزش است که همراه عمل صالح می باشد و برعکس .

زن ازدیدگاه اسلام دارای شخصیتی والا و ارزشمند و وجود زن زینت بخش آفرینش انسان است وفاق روح او تجلی گاه رحمت بر همین اساس زن مربی بشر است و می تواند با تربیت فرزندی امتی را رهایی بخشد. یکی از مهم ترین مفاهیم دینی که بحث از آن همواره مورد توجه محافل مختلف فرهنگی و اجتماعی بوده است، مفهوم «حجاب» می باشد. رعایت پوشش و حجاب برای زنان از ضروریات اسلامی است و هیچ یک از پیروان مذاهب اسلامی در ضرورت آن تردید ندارند و هیچ عالم اسلامی نیز ترک آن را جایز نمی داند؛ زیرا دستور صریح قرآن است و هیچ توجیه و تاویلی در آن راه ندارد. هر چند دینداری در حفظ پوشش خلاصه نمی شود و از پایه های فروع دین به شمار نیامده، اما حفظ آن برای زنان و مردان نقش بزرگی در پاکی اخلاق، اصالت و هویت فرهنگی - ملی و نشان دادن شخصیت و حریم عفاف داشته و موجب تکامل جامعه و رسیدن آن به مراتب عالی انسانی و اخلاقی می گردد. اما مهم پاسخ به این پرسش است که چگونه می توان به

این دستور اسلامی جامه‌ی عمل پوشانید و آن را در نظام اسلامی اجرا پذیر ساخت. بدیهی است که حکومت در ترویج احکام الهی و همچنین برقراری نظم و امنیت در جامعه وظایف مهمی دارد. به عبارت دیگر حاکم شرع می‌تواند بر اساس عناوین اولیه، عناوین ثانویه و یا بنا بر مصلحت احکامی وضع کند و برای آن ضمانت کیفری قرار دهد. با این حال، آنچه این مسأله را در روزگار ما برجسته کرد، پایبند نبودن برخی از افراد به این حکم شرعی در سطح جامعه است. سؤال اساسی این است که افزون بر پای نبودن به حکم شرعی حجاب که امری حرام بوده و مرتکب آن، سزاوار عذاب اخروی است، آیا از نظر فقهی، این حق برای دولت ثابت است که از راه توسل به قانون و قوه الزام کننده، با کسانی که مقدار واجب حجاب را رعایت نمی‌کنند، برخورد کند یا چنین حقی از نظر فقهی برای دولت در هیچ شرایطی ثابت نیست؟ آیا سابقه تاریخی برای مجازات بی‌حجابی وجود دارد؟ در این نوشته کوشش شده است تا علاوه بر مفهوم شناسی و تاریخیچه آن، اثبات حجاب در نقل و روایات در حدّ توان، وظیفه دولت در مسأله حجاب تبیین شود و در پایان نظر برگزیده بیان شود. در پایان باسپاس فراوان از اساتید محترم که نگارنده را با نظریات صائب و صحیح خویش در هرچه بهتر شدن اثر یاری نمودند، شما را به خواندن اثر فرامی‌خوانم. بارالها، چشم ما رابه نور عفت و قلب ما رابه نور علم و ایمان سر شار کن تا در برابر عظمت همواره خاضع باشیم و به وعده هایت مؤمن و به دستوراتت گردن نهیم، جز تو را نپرستیم و به غیر تو تکیه نکنیم.

### پرسش‌های اساسی تحقیق

در سده اخیر موضوع پوشش زنان همواره مورد توجه جوامع اسلامی، اندیشمندان و دولت‌ها بوده است. پیرامون این موضوع مسائل مختلفی مطرح می‌شود. از این میان، چگونگی مواجهه حکومت

با موضوع حجاب، مسأله مهم و بحث برانگیزی است. پرسش‌های اساسی که این نوشتار در صدد پاسخگویی اجمالی به آن‌هاست عبارتند از:

۱. فلسفه حجاب چیست؟

۲. آیا حکم حجاب تاسیسی است یا امضایی؟

۳. آیا سابقه تاریخی - فقهی برای الزام بر حجاب وجود دارد؟

۴. آیا دولت می‌تواند در زمینه بی‌حجابی قانون وضع کند؟

#### فرضیه‌های تحقیق

در این مسأله فرضیه‌های مختلف بر اساس دیدگاه‌های مختلف مطرح شده است:

۱. بنظر می‌رسد یکی از فلسفه‌های اصلی حجاب ارزش و حرمت زن باشد.

۲. بنظر می‌رسد حکم حجاب امضایی باشد.

۳. میزان دخالت دولت در مسأله بایستی در پرتو اصل مصلحت و مقاصد شریعت باز خوانی شود.

۴. دولت اسلامی در موضوع الزام اشخاص بر حجاب هیچ وظیفه‌ای ندارد ولی در برخورد با

پدیده‌های سازمان یافته و مخرب و جریانات ترویج دهنده بی‌حجابی مسئول است.

#### ضرورت و هدف تحقیق

با توجه به اینکه در دوران جمهوری اسلامی به عنوان یک تجربه کم نظیر مسأله حجاب تبدیل به

یک حکم حکومتی شد و ضمانت کیفری هم برای آن تعیین شد و همچنین با توجه به هزینه‌های

مالی و فرهنگی فراوانی که در این زمینه صرف می‌شود، این پرسش اساساً از سوی خیلی‌ها مطرح است که آیا حکومت‌ها وظیفه‌ای در این باره به دوش می‌کشند یا خیر؟ آیا اجبار از سوی نهاد دولت به لحاظ مبانی فقهی - حقوقی صحیح است یا خیر؟ این مسأله تبدیل به یک چالش مهم در زمان حاضر شده است که تحقیق و یافتن پاسخ پیرامون آن را ضروری می‌سازد. هدف این تحقیق آن است که با ارائه‌ی پاسخ‌هایی درخور، راه برای تعامل بیشتر نهادهای فرهنگی کشور به منظور رسیدن به راه کارهای اجرایی مناسب، فراهم آید. این مهم با بررسی نظرات مختلفی که درباره الزام بر حجاب مطرح شده است و تحلیل ادله آن‌ها، امکان پذیر است.

### پیشینه تحقیق

در منابع و کتب فقهی، در مبحث صلاۀ و نکاح درباره حجاب و ضرورت آن بحث شده است لیکن

هیچ سخنی از الزام حکومتی بر حجاب مطرح نشده است. همچنین علی‌رغم آنکه عالمان و فقیهان اسلامی درباره حجاب، ضرورت آن و مفاسد بی‌حجابی، رساله‌ها و مقالات فراوانی نگاشته اند اما درباره الزام بر حجاب جز چند مقاله محدود، یافت نگردید. از جمله این مقالات می‌توان به مقاله‌ی «نقد و بررسی ادله فقهی الزام حکومتی حجاب: محمد علی ایازی»، «مبانی مسؤلیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی در زمینه حجاب بانوان: سید جواد ورعی»، اشاره کرد. این مقالات هر چند در انجام تحقیق کمک بسیاری کردند لیکن طوری نبود که ما را از انجام کندوکاو در این زمینه بی‌نیاز کند.

---

۱. کاوشی نو در فقه اسلامی، ویژه حجاب، ش ۵۲-۵۱، صص ۱۴۳-۱۸۷، ۱۳۸۶.

## روش تحقیق

نوع این تحقیق توصیفی-تحلیلی است؛ که به شناسایی و توصیف و تحلیل مسائل مورد نظر می‌پردازد. روش اجرای این تحقیق روش کتابخانه‌ای است، که اطلاعات و داده‌های لازم را از معانی لغوی و اصطلاحی عنوان بحث گرفته تا آیات، روایات و نظریات مورد نیاز بحث را، از کتب معتبر و متنوع دست اول و گاه دست دوم و سایت‌های معتبر بیرون کشیده در جای مناسب، همراه با تحلیل گردآورنده، ارائه می‌کند.

## فصل دوم

# واژه شناسی

## واژه‌شناسی پوشش، حجاب، عفاف و جلباب

### پوشش، واقسام آن

پوشش از نظر لغوی؛ به معنای، پوشاندن چیزی است. اصولاً هر چیزی که روی چیز دیگر را بپوشاند، پوشاک می باشد<sup>۱</sup>. لباس از ریشه ی (لبس) به معنای پوشاننده است<sup>۲</sup> پوشش و لباس مردم در هر جامعه ای برخاسته از عرف، قانون و دین است.

۱. پوشش عرفی : « عرف » قاعده ای است که خود به خود میان همه ی مردم یا دسته ای از آنها به عنوان قاعده ای الزام آور مرسوم شده است<sup>۳</sup> و عادت عبارت است از آداب و رسوم اجتماعی که کارکردی چون قانون و چه بسا فراتر از آن دارد<sup>۴</sup>. حتی می توان گفت قانون گاه برگرفته از عرف است و مقنن باید در تدوین و تصویب قانون عرف را در نظر داشته باشد در غیر این صورت قانون در عمل موفق نخواهد بود. پوشش عرفی پوششی است که آداب و رسوم اجتماعی استفاده از آن را در اذهان افراد جامعه معقول نموده مهر پذیرش اجتماعی را بر آن وارد کرده است.

۱. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیر کبیر، چاپ بیست و دوم، ۱۳۶۲، ص ۳۴۴

۲. فرهنگ بزرگ جامع نوین، انتشارات اسلام، چاپ شانزدهم، ج ۲، ص ۱۴۶۶، سیاح، احمد.

۳. کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۳، ج ۱، ص ۲۲.

۴. کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق، شرکت انتشار و بهمن بزنا، چاپ بیست و یکم، ۱۳۷۵، ص ۱۸۸.



۲. پوشش شرعی برخاسته از احکام دین است. داشتن حجاب برای زنان در دین مبین اسلام به گونه‌ای که غیر از صورت و کفین جای دیگری از بدن نمایان نباشد یا حرمت پوشیدن لباس زربافت برای مردان از این گونه است. گاه پوشش شرعی و عرفی بریکدیگر منطبق هستند.

۳. پوشش قانونی این پوشش معمولاً در مورد کارکنان دولتی در سازمان‌های خاص از جمله نظامیان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

### مفهوم حجاب

به گفته اهل لغت واژه‌ی حجاب به صورت متعدی و به معنای در پرده قرار دادن<sup>۱</sup> به کار می‌رود. ابن درید می‌گوید: «حجبت الشیء... اذا سترته، و الحجاب: السّتر... زمانی که خورشید در ابر فرو می‌رود عرب می‌گوید «احتجبت الشمس فی السحاب» حجاب، پوششی است که روی شیء قرار می‌گیرد و حجاب یعنی پرده. فیومی این واژه را چنین توضیح می‌دهد: حَجَبَ، فعلی متعدی است و به معنای مانع شدن به کار می‌رود. به پرده، حجاب می‌گویند، زیرا مانع از دیدن است، و به دربان، حاجب گفته می‌شود، زیرا وی مانع از ورود افراد است. این واژه در اصل بر موانع جسمانی اطلاق می‌گردد، ولی برخی مواقع به موانع معنوی نیز حجاب گفته می‌شود.<sup>۲</sup>

حاصل آنکه جستجو در کتب لغت و تأمل در تعاریف واژه حجاب حاکی از آن است که در معنای لغوی حجاب دو مفهوم قابل تمایز از هم وجود دارد؛ مفهوم اول: پنهان کردن، پوشاندن و

۱. ابن منظور، محمد، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ج ۱، ص ۲۹۸ و زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس، بیروت، المکتب الحیات، بی تا، ج ۱، ص ۲۰۳.

۲. فیومی، احمد، المصباح المنیر، قم، دار الهجره، ج ۱، ص ۱۲۱.

از مقابل دیده افراد خارج کردن است که این معنا از کلمه «ستر» و مانند آن قابل استفاده می‌باشد. مفهوم دوّم: جدا کردن دو چیز، مرز گذاشتن میان آن‌ها و فاصله انداختن بین دو امر می‌باشد که این معنا از واژه‌های حائل، مانع و حاجز مستفاد است. این واژه در فقه در معنای لغوی خود که همان پرده حائل میان دو چیز باشد به کار رفته و معنای جدیدی برای آن ایجاد نشده بود. در دوران متأخر این واژه معنای اصطلاحی خاصی پیدا کرده و به پوشش خاصّ زنان اطلاق شده است. به نظر می‌رسد فهم عرف از واژه حجاب بیشتر ناظر به معنای فقهی آن است. فقها در تعریف حجاب گفته‌اند: حجاب لباسی است که زن برای حفظ عورت از اجانب می‌پوشد. در این تعریف، سه نکته قابل تأمل وجود دارد:

اول، لفظ «زن» است که نشان می‌دهد حجاب مترادف «پوشش زن» است و تعبیر حجاب مردان، تعبیر نادرستی است.

دوّم، مسأله «عورت» است که طبق این تعریف، حجاب برای پوشاندن آن به کار می‌رود و مصداق آن در مورد زن، همه بدن به جز وجه و کفین می‌باشد. مؤلفه دیگری که با توجه به این تعریف در مفهوم حجاب، مأخوذ است، پوشش از نامحرم (عن الأجنب) است. بر این اساس پوشش زن در نماز یا در حال طواف، حجاب نامیده نمی‌شود.

۱. قلعه جی، محمد رواس و قنیبی، حامد صادق، معجم اللغة الفقهاء، دارالنفاس، ص ۱۷۴، چاپ اول، ۱۴۰۵

۲. حسینی، محمد، فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی، تهران، سروش، چاپ دوم، ۱۳۵۸، ص ۱۷۷.

نکته‌ای که هنگام جستجوی واژه حجاب در آثار فقیهان دینی به چشم می‌خورد آن است که فقها (چه در کتب عربی و چه فارسی) از لفظ حجاب استفاده نکرده‌اند؛ بلکه بیشتر واژه‌ی «ستر» را به کار برده‌اند و احکام آن را ذیل مباحث دیگر عنوان کرده و باب مستقلی به آن اختصاص نداده‌اند. مثلاً بعضی در «کتاب الصلاة» و در بحث از این مسأله که هنگام نماز پوشش باید چگونه باشد، فصلی با عنوان «فی الستر و الساتر» گشوده و در آن ضمن بحث از نحوه‌ی پوشش هنگام نماز، از پوشش زن نزد نامحرم هم سخن گفته و حدّ آن را چنین تعیین نموده‌اند: پوشیدن تمام بدن جز صورت و دو دست تا میچ بر غیر شوهر و محارم در صورت عدم تلذذ واجب است.<sup>۱</sup> تردیدی نیست که اگر نظر از روی «تلذذ» یا «ریبه» باشد حرام است. نگاه از روی تلذذ یعنی نگاه به قصد لذت بردن؛ اما ریبه یعنی نظر به خاطر تلذذ و چشم چرانی نیست، ولی طوری است که خطرناک است و خوف هست که لغزشی به دنبال نگاه کردن به وجود آید.<sup>۲</sup> بعضی دیگر در احکام نکاح و ذیل عنوان «احکام نگاه کردن»، حدود پوشش زنان را مطرح کرده‌اند.<sup>۳</sup>

حاصل آنکه امروزه نزد عامه‌ی مردم آن معنایی از حجاب که بیش از همه به ذهن می‌آید و مورد استعمال است همین معنای فقهی حجاب می‌باشد، شهید مطهری چنین بیان می‌کند: «بهتر بود بجای کلمه‌ی «حجاب» کلمه‌ی «پوشش» بکار برده شود، زیرا معنی شایع لغت حجاب پرده است و اگر در مورد پوشش به کار برده می‌شود به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین

۱. «یَجِبُ سِتْرُ الْمَرْأَةِ تَمَامًا بِدَنِيهَا عَمَّنْ عَدَا الزَّوْجِ وَالْمَحَارِمِ إِلَّا الْوَجْهَ وَالْكَفَّيْنِ مَعَ عَدَمِ التَّلَذُّذِ وَالرِّيْبَةِ». (طباطبائی یزدی، محمدکاظم، العروة الوثقی، ص ۱۸۴).

۲. مطهری مرتضی مسئله حجاب انتشارات صادر چاپ چهل و یکم ۱۳۷۴ ص ۱۸۴

۳. موسوی خمینی، روح‌الله، تحریر الوسیله، دارالعلم، چاپ دوم، ص ۲۴۳.

امر موجب شده که عده‌ی زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود<sup>۱</sup>.

## مفهوم عفاف

واژه «عفاف» به فتح عین، مصدر ماده «عَفَّ» می‌باشد که مصدر دیگر آن «عِفَّة» است و این دو دقیقاً به یک معنا می‌باشند و به جای یکدیگر به کار می‌روند. کتاب «العین» عفت را این گونه معنی کرده است: «عفت، خوداری از چیزی است که حلال نباشد»<sup>۲</sup>. ابن منظور در تعریف واژه‌ی عفاف می‌گوید: «خودداری از عمل یا سخنی که حلال و نیکو نیست»<sup>۳</sup>. راغب اصفهانی می‌گوید: «عفت حالت درونی و نفسانی است که توسط آن از غلبه شهوت جلوگیری می‌شود»<sup>۴</sup>.

## رابطه حجاب و عفاف

توجه به مبانی و تعاریف ذکر شده در باب حجاب و عفت در پوشش و دقت و تأمل در آنها این حقیقت را مکشوف می‌سازد که وجوه تمایز مختلفی میان این دو مفهوم وجود دارد به گونه‌ای که نمی‌توان به سادگی این دو را مترادف و هم‌معنی دانست، هر چند که اشتراکاتی میان این دو نیز به

۱. مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، انتشارات صدرا، چاپ چهارم و یکم ۱۳۷۴، ص ۱۷۹.

۲. «العِفَّةُ الكَفُّ عما لا یَحِلُّ». (فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، دارالهجره، چاپ اول ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۲۳۸).

۳. ابن منظور، محمد، پیشین، ج ۹، ص ۲۵۳.

۴. «العِفَّةُ حصولُ حالةٍ للنفسِ تمنعُ بها عن غلبَةِ الشهوةِ». (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص ۱۵۳ ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، المکتبه رضویه، چاپ اول ۱۳۶۳) و (قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۴، ج ۵، صص ۱۸-۱۹).